

توصیف واکلهای ساده در گویش لکی نورآبادی در قیاس با زبان فارسی

مهین‌ناز میردهقان*

محمد نوری**، نیلوفر حسینی کارگر***

چکیده

مقاله حاضر با هدف توصیف واکلهای ساده در گویش لکی نورآبادی در تقابل با فارسی نوشتاری معیار نگاشته شده است. بر این مبنا، به دنبال مقدمه‌ای کوتاه مشتمل بر جای‌گاه این گویش در خانواده زبان‌های ایرانی، به ارائه مجموعه‌ای از تحلیل‌های ساختاری در آن می‌پردازیم. تحلیل فوق، با تأکید بر نقش واجی کشش واکلهای در گویش، واکلهای ساده در آن را در چهار دسته: ۱. پسین و گرد [a/, /a:/, /ɛ/, /ɪ/, /i:/, /i/], ۲. پیشین و گسترده [a/, /a:/, /ɔ/, /ɔ:/, /u/, /u:/], ۳. پیشین و گرد [ɔ/, /ɔ:/, /y/, /y:/] و ۴. مرکزی [ɜ/, /ɜ:/] ارائه و توصیف می‌نماید. تقسیم‌بندی فوق مجموعه‌ای مشتمل بر ۱۶ واکه ممیز را در نظام واکلهای گویش در مقابل نظام ۶ واکلهای فارسی برمی‌شمرد.

کلیدواژه‌ها: گویش لکی نورآبادی، نظام واکلهای، طبقه‌بندی واکلهای، کشش واکلهای، واکلهای ساده.

۱. مقدمه

لک‌ها گروهی مستقل از اقوام ایرانی آریایی‌اند که فرهنگ، موسیقی، آداب و رسوم

* دانشیار زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی

M_Mirdehghan@sbu.ac.ir

** کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی mo.norizadeh@gmail.com

*** کارشناس ارشد مطالعات هند، دانشگاه تهران niloofar_hoseinikargar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۷

خاص خود را دارند. محل سکونت آنان زاگرس میانی، در استان‌های لرستان، ایلام، کرمانشاه و همدان است. نام لک امروزه نه تنها نام طوایف لک زبان است بلکه روستاها و مناطقی چند در سراسر کشور نیز به این نام خوانده می‌شوند که دهستان‌هایی در قروه کردستان، خدابنده (از توابع سنندج) و روستاهایی در شهرستان‌های ارومیه، اهر، اردبیل، قزوین، الیگودرز، میاندوآب و قم از آن جمله‌اند (عالی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۷). لک‌ها در محدوده استان لرستان در شهرستان‌های نورآباد، الشتر، کوه‌دشت، خرم‌آباد، بروجرد و توابع آن به سر می‌برند. اقوامی از لک‌های نورآباد، با مهاجرت به شمال ایران، در شهرستان‌های کلاردشت، مکارود، تیت‌دره و کجور سکنا گزیده‌اند. عده‌ای با نام کورونی، از لک‌های طرحان، نیز به دهکده‌های خداآباد، شاپور کازرون و چهل چشمه شیراز مهاجرت کرده‌اند. گویش مورد بررسی در این پژوهش گویش سخنوران ساکن شهرستان نورآباد است.

با وجود افتراق، موقعیت خاص اقوام لک تشابه‌زبانی و فرهنگی بسیار آنان به زبان و فرهنگ کردی و لری را به دنبال داشته است. قرابت گویش لکی با لری و کردی همراه با تأثیر متقابل آنان بر یک‌دیگر، تقسیم‌بندی‌های چندگانه پژوهش‌گران را نیز به دنبال داشته است؛ از آن جمله، تفرجی یگانه (۱۳۸۵: ۳) گویش‌های کردی را در سه گروه کرمانجی شمالی، کرمانجی جنوبی و کرمانشاهی ارائه نموده است. وی کرمانجی شمالی را مشتمل بر گویش‌های بایزیدی، حکاری، آشیتی، بوتانی، بادینانی، و کرمانجی جنوبی را شامل گویش‌های مکر، سورانی، سنه‌یی (سنندجی) و سلیمانیه‌ای می‌شمارد. گویش لکی، در تقسیم‌بندی وی، همراه با گویش‌های کلهری و پشت‌کوهی در گروه کرمانشاهی قرار می‌گیرد.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های انجام‌شده درباره گویش لکی، در بیش‌تر موارد، به شکل فرهنگ لغات، گردآوری اصطلاحات، و ضرب‌المثل‌ها و، در مواردی، پیرامون دستور آن بوده و نظام آوایی آن کم‌تر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است؛ در حالی که، در همه این آثار، از نشانه‌های آوایی به منظور سهولت تلفظ پاره‌گفتارهای لکی بهره برده شده است که تنها نمایان‌گر دیدگاه نگارندگان آن‌ها پیرامون واج‌های این گویش است. درباره این گویش می‌توان پژوهش‌های زیر را برشمرد.

از آثار برجسته درباره گویش لکی، فرهنگ دوزبانه لکی به فارسی (ایزدپناه، ۱۳۶۷) است که با جدولی از نشانه‌های آوایی گویش از منظر نگارنده همراه است. وی هم‌خوان‌های گویش لکی را ۲۴ و واکه‌ها را ۸ مورد برشمرده است.

میرچراغی (۱۳۶۹) نیز، در بررسی ساختمان دستوری گویش لکی خواجهوندی در منطقه کلاردشت در استان مازندران، در توصیف هم‌خوان‌ها، از مشخصه‌های زبان‌شناختی جای‌گاه تولید، شیوه تولید و واگذاری، و، در توصیف واکه‌ها، از مشخصه‌های ارتفاع و نیز پسین یا پیشین بودن زبان بهره برده است. وی، در تحلیل خود، ۲۳ واج هم‌خوانی و ۸ واج واکه‌ای (مشمول بر ۶ واکه ساده و ۲ واکه مرکب) را در گویش نام برده است.

عالی‌پور خرم‌آبادی (۱۳۸۴) در کتاب *دستور زبان لکی، ضرب‌المثل‌ها و واژه‌نامه*، در ارائه فهرست نشانه‌های آوایی، تعداد هم‌خوان‌های گویش را ۲۸ و واکه‌ها را ۸ مورد دانسته است. در بین هم‌خوان‌ها، علاوه بر واج‌های /s/، /z/، /q/، وی از واج‌های /θ/، /ð/، /ɣ/ نیز نام برده است.

ناظوری (۱۳۸۳) نظام آوایی گویش لکی هرسین را از دیدگاه انگاره واج‌شناسی استاندارد بررسی کرده است. وی، در معرفی واج‌ها، به واج‌گونه‌ها نیز پرداخته است؛ البته، چگونگی تعلق واج‌گونه‌ها به واج‌های مرتبط یا تعیین هویت واجی آنان با استفاده از جفت یا مجموعه‌های کمینه به انجام نرسیده است. در ارائه ساختار هجایی گویش در پژوهش مزبور، از ۶ نوع هجا بدون اشاره به محدودیت‌های حاکم بر باهم‌آیی هم‌خوان‌ها و واکه‌ها نام برده شده است.

نظام آوایی گویش لکی دلفان نیز در چهارچوب واج‌شناسی زایشی (امیدی، ۱۳۸۸) بررسی و واج‌گونه‌های واج‌ها در محیط‌های آوایی گوناگون ارائه شده است. ساختمان هجا و عناصر موجود، در آغاز، مرکز، و پایانه هجا، همراه با تکیه و نقش آن در این گویش، از دیگر مواردی است که در پژوهش مزبور به آن‌ها پرداخته شده است. امیدی (۱۳۸۸) برای این گویش ۳۸ واج، مشتمل بر ۲۶ هم‌خوان و ۱۲ واکه، برمی‌شمرد و آن را فاقد واکه مرکب می‌داند.

با وجود پژوهش‌های به انجام رسیده در توصیف آواهای لکی در تمامی آنان به ذکر مشخصاتی کلی بسنده شده و توصیفی کامل از واج‌ها و واج‌گونه‌ها ارائه نشده است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف ارائه تحلیل‌هایی ساختاری از واکه‌های لکی و تقسیم‌بندی‌های آنان نگاشته شده است.

۳. روش تحقیق

شیوه تحقیق در این پژوهش کتاب‌خانه‌ای و میدانی است. داده‌های تحقیق با بهره‌گیری از دانش زبانی یکی از نگارندگان^۱، که گویش‌ور بومی گویش لکی نورآبادی است، نگاشته شده و به شیوه‌ای تقابلی با فارسی نوشتاری معیار به انجام رسیده است. تحقیق فوق، با توجه به لزوم ثبت گویش‌های محلی و تأثیر بسزای زبان فارسی در همگون‌سازی گویش‌ها، بسیار مهم است. به منظور تسهیل مقابله و مقایسه نظام‌های واکه‌ای مورد بررسی، جدولی تقابلی از واکه‌ها (جدول ۲) با تأکید بر نکات اشتراک و افتراق ارائه شده است. شیوه تحلیل تقابلی داده‌ها با توصیف و ارائه جداولی از جفت‌های کمینه (با تفاوت در یک واج هم‌جای گاه)، که به صورت‌های باز (مختوم به واکه) و بسته (مختوم به هم‌خوان) دسته‌بندی شده‌اند، در طی مقاله، به انجام رسیده است. تحلیل‌های مذکور همراه با جمع‌بندی نتیجه‌گیری از پژوهش در انتها ذکر شده است. شایان ذکر آن‌که ثبت آوایی گویش بر مبنای جدول الفبای آوانگاری بین‌المللی (International Phonetic Alphabet (IPA) صورت گرفته و نشانه‌های آوایی هم‌خوان‌های لکی بر این مبنای (جدول ۳۰) ارائه شده است.

۴. توصیف واکه‌های گویش لکی در مقایسه با زبان فارسی

حق‌شناس (۱۳۵۶: ۷۳) واکه‌ها را آوایی برشمرده است که همراه با ارتعاش تارآواها در حنجره و گذرگاه باز عبور هوا تولید می‌شوند. میزان گشادگی گذرگاه با حرکاتی عمودی و افقی طبقه‌بندی واکه‌های زبانی را به دنبال دارد (دیهم، ۱۳۵۸: ۶۱-۶۲)؛ در حالی که، حرکت عمودی زبان در نزدیک و دور شدن به کام به تولید واکه‌های زبانی بسته، گشاده، نیمه‌بسته و نیمه‌گشاده می‌انجامد، حرکت افقی آن به سمت انتهای دهان و خیزش عقب آن در جهت پرده کام واکه‌های پسین (ملازی) و بالعکس در جلوی دهان و خیزش به سمت سخت‌کام واکه‌های پیشین (کامی) را تولید می‌نماید. واکه‌هایی نیز در زبان با وضعیتی میانی و خیزش قسمت وسطی رویه زبان به طرف ناحیه‌ای از کام که میان سخت‌کام واقع است تولید می‌شوند که میانه نامیده شده‌اند (همان).

علاوه بر زبان، شکل لب‌ها نیز با ایجاد تغییر در حجم حفره دهان در تغییر کیفی واکه‌ها دخیل است (مک موان، ۱۳۷۳). تغییرات در حجم حفره دهان به دو طریق طولی و عرضی به انجام می‌رسد. شکل گرد لب‌ها با درازی حفره دهان و در عین حال کشیده شدن گونه‌ها به جلو همراه است که خود به چسبیدگی جدار داخلی به دندان‌ها و کاهش عرض حفره

دهان می‌انجامد. واکه‌های تولیدشده با این شکل لب‌ها گرد نامیده و، به درجات مختلف، گرد بسته، نیمه گرد و گرد باز تقسیم شده‌اند. بسته‌تر بودن واکه‌ها اغلب با افزایش میزان گردی لب‌ها همراه است که از کاهش فاصله دو فک و آزادتر شدن بیش‌تر لب‌ها برای حرکت به جلو ناشی می‌شود.^۲ اما گسترده‌تر شدن لب‌ها با افزایش عرض حفره دهان به ایجاد فاصله میان جدار داخلی لب‌ها و دندان‌ها می‌انجامد. در این حال، قسمت جلوی لب‌ها به دندان‌های بالا و پایین چسبیده و کاهش طول حفره دهان، نسبت به حالت پیشین، را به دنبال دارد. واکه‌هایی که با این حالت لب‌ها تولید می‌گردند گسترده نامیده شده و، به درجات، گسترده بسته، نیمه‌گسترده و گسترده باز تقسیم گردیده‌اند. بر این اساس، درجه افراستگی زبان، بخش دست‌اندرکار زبان در تولید واکه، و شکل لب‌ها سه عامل اساسی در توصیف و طبقه‌بندی واکه‌ها برشمرده شده‌اند (ثمره، ۱۳۷۸: ۸۲-۸۳) که، بر آن مبنای، به توصیف آوایی واکه‌ها در نظام‌های مورد بررسی می‌پردازیم. با توجه به پژوهش‌های بسیار به انجام رسیده در این حوزه در زبان فارسی (ثمره ۱۳۷۸)، حق‌شناس (۱۳۷۸)، یارمحمدی (۱۳۷۳)، مشکوة‌الدینی (۱۳۷۴)، پژوهش حاضر با هدف تحلیل واکه‌های ساده در گویش لکی به انجام رسیده که در تقابل با فارسی ارائه شده است.

در این خصوص، شایان ذکر است که نظام واکه‌ای زبان‌ها اغلب، علاوه بر واکه‌های ساده (monophthongs)، مشتمل بر دسته‌ای دیگر از واکه‌ها موسوم به واکه‌های مرکب (diphthongs) اند. در تمایز با واکه‌های ساده، که تولید آنان از ثباتی کیفی (quantitatively) برخوردار است (Ladefoged, 2006)، واکه‌های مرکب با تغییری کیفی هم‌راه‌اند که زبان از یک موقعیت آغاز و به سمت وضعیتی دیگر در تولید آنان حرکت می‌نماید (ibid) که این امر با تغییراتی در شکل لب‌ها، ارتفاع نوک زبان و حالت زبان همراه است. مثلاً هنگام تولید آوای /ow/ در «جو» [jow] زبان از موقعیت تولید /o/ به سمت /w/ حرکت می‌نماید. تغییراتی هم‌چون تغییر حالت نوک زبان از میانه به افراشته و زبان از پیشین‌افتاده به پسین‌افراشته نمونه‌هایی از تغییرات کیفی در واکه‌های مرکب به شمار می‌آیند. با در نظر گرفتن محدودیت‌های مقاله، در مقاله حاضر به ارائه تحلیلی از واکه‌های ساده در لکی نورآبادی در قیاس با فارسی اکتفا شده که در ادامه مقاله به اختصار واکه نامیده شده است.^۳

۱.۴ توصیف آوایی واکه‌ها در زبان فارسی

تشکل دستگاه واکه‌ای زبان فارسی، که در جدول ۱ ارائه شده است، شش واکه، مشتمل بر سه واکه پیشین و سه واکه پسین، را نمایان می‌سازد که واکه‌های پیشین از مشخصه گسترده

و واکه‌های پسین از مشخصه گرد بودن برخوردارند. این امر به تجلی پنج مشخصه واجی تمایزدهنده معنی در دستگاه واکه‌ای زبان فارسی منجر شده که شامل مشخصه‌های پسین، پیشین، افراشته، میانه، و افتاده است؛ در حالی که دو مشخصه گسترده و گرد متمایزکننده معنی در فارسی به شمار نمی‌آیند.

جدول ۱. دستگاه واکه‌ای زبان فارسی

پسین	پیشین	
/u/ «او»	/i/ «ای»	افراشته
/o/ «--»	/e/ «--»	میانه
/a/ «آ»	/a/ «--»	افتاده

- توصیف آوایی واکه‌های مذکور به نقل از ثمره (۱۳۷۸: ۸۷-۹۵) عبارت است از:
۱. /i/ پیشین، بسته، گسترده، کشیده (مشهود در دیگر زبان‌هایی چون فرانسه، انگلیسی و آلمانی)؛
 ۲. /e/ پیشین، متوسط (نیم‌باز)، نیم‌گسترده، کوتاه؛
 ۳. /a/ پیشین، باز، گسترده باز، کوتاه (مشهود در دیگر زبان‌هایی چون فرانسه و سوئدی)؛
 ۴. /u/ پسین، بسته، گرد، کشیده (مشهود در دیگر زبان‌هایی چون فرانسه، انگلیسی و آلمانی)؛
 ۵. /o/ پسین، متوسط (نیم‌بسته)، نیم‌گرد، کوتاه (مشهود در دیگر زبان‌هایی چون فرانسه، انگلیسی، آلمانی و اسپانیایی)؛
 ۶. /a/ پسین، باز، گرد باز، کشیده (مشهود در دیگر زبان‌هایی چون فرانسه و انگلیسی).

۲.۴ توصیف آوایی واکه‌ها در گویش لکی

امیدی (۱۳۸۸) واکه‌های گویش لکی را به سه دسته، پیشین /i, e, ø, ɛ, ʏ, æ, ɤ, ɸ, u/ پسین /a, o/ و مرکزی /ɨ/ تقسیم کرده است.^۴

تحقیق حاضر حاکی از آن است که، به دو دلیل، تمام الگوهای واکه‌ای زبان فارسی در توصیف واکه‌های گویش لکی قابل اعمال نمی‌باشد: نخست آن‌که در زبان فارسی تمامی واکه‌های پسین گرد و تمامی واکه‌های پیشین گسترده‌اند؛ در حالی که، گویش لکی، واجد واکه‌های پیشین‌گرد نیز می‌باشد که واکه‌های /ʏ/ در واژه /tʏz/ (چهره)، /ø/ در واژه

/nø:r/ (نفرین)، و /ø/ در واژه /nør/ (پاره نکن) نمونه‌هایی گویشی از این نوع واکه‌اند. دوم آن‌که گویش لکی واکه‌هایی دیگر را نیز در نظام واکه‌ای خود در بر می‌گیرد که در زبان فارسی دیده نمی‌شوند؛ مانند /ɔ:/ در واژه /ɔ:n/ (چوپان)، /ɔ/ در واژه /ɔn/ (کتف)، /a:/ در واژه /λa:f/ (رختخواب) /I:/ در واژه /tʃɪ:n/ (رفتن)، /I/ در واژه /tʃɪn/ (رگه، ردیف)، /ɛ/ در واژه /gɛʒɛk/ (دکمه)، /a:/ در واژه /va:r/ (برف)، /ɜ/ در واژه /hɜr/ (دره). جدول هم‌خوان‌های لکی نورآبادی در پیوست مقاله آورده شده است.

بر مبنای تحقیق حاضر، واکه‌ها در گویش لکی در چهار دسته عمده قابل ارائه‌اند. طبقه‌بندی فوق، که به‌اختصار در ذیل ارائه شده، در متن مقاله، به‌تفصیل مورد بحث و بررسی واقع شده است.

۱. پسین و گرد: /u/ در /tʃul/ (خالی)، /ɔ:/ در /ɔ:n/ (چوپان)، /ɔ/ در /ɔn/ (کتف)، /a:/ در /λa:f/ (رختخواب)، /a/ در /λaf/ (سیل)؛
 ۲. پیشین و گسترده: /i/ در /hiza/ (کیسه‌روغن)، /ɪ:/ در /tʃɪ:n/ (رفتن)، /I/ در /tʃɪn/ (رگه، ردیف)، /ɛ/ در /gɛʒɛk/ (دکمه)، /a:/ در /va:r/ (برف)، /a/ در /var/ (جلو)؛
 ۳. پیشین و گرد: /y/ در /dɪz/ (میزان)، /ø/ در /nø:r/ (نفرین)، /ø/ در /nør/ (پاره نکن)؛
 ۴. مرکزی: /ɜ/ در /hɜr/ (دره)، /ə/ در /məʒ/ (زغال روشن).
- توصیفی کامل‌تر از واکه‌های مذکور در مقایسه با فارسی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. دستگاه واکه‌ای گویش لکی در مقایسه با فارسی^۶

زبان فارسی		گویش لکی نورآبادی						
پیشین و گرد	پیشین و گسترده	مرکزی	پسین و گرد	پیشین و گرد	پیشین و گسترده	مرکزی	پسین و گرد	
-----	/i/	-----	/u/	/y/	/i/	-----	/u/	افراشته (بسته)
-----	/e/	-----	/o/	/ø/, /ø:/	/I/, /I:/	/ə/	-----	نیم‌افراشته (نیم‌بسته)
-----	-----	-----	-----	-----	/ɛ/	/ɜ/	/ɔ/, /ɔ:/	نیم‌افتاده (نیم‌باز)
-----	/a/	-----	/a/	-----	/a/, /a:/	-----	/a/, /a:/	افتاده (باز)

در ادامه، به بررسی و تحلیل ویژگی‌های تولیدی واکه‌های گویشی پرداخته شده است.

۱.۲.۴ واکه‌های پسین و گرد

• /u/ [-هم‌خوانی، +هجایی، +رسا، +افراشته، +پسین، +گرد]

/u/ واکه‌ای بسته یا افراشته است که، در تولید آن، زبان حداکثر ارتفاع و نرم‌کام در وضعیت بالا قرار دارد و به این طریق راه عبور هوا از بینی مسدود و با آزادی عبور هوا از مجرای دهان همراه می‌باشد. تارهای صوتی در وضعیت تولید واک و لب‌ها با کشش به جلو به صورت گرد هستند. این واکه با همین خصوصیات در زبان فارسی موجود است. جداول ۳ و ۴ نمایان‌گر نمونه واژه‌هایی گویشی با بهره‌گیری از جفت‌های کمینه با واج‌های باز /y, ɥ, ø/ و بسته /y, ɥ, ø/ در مقابل واکه /u/ گویش در نمایش تمایز واجی آنان است.

جدول ۳. جفت‌های کمینه باز با تقابل /y, ɥ, ø/

واژه گویشی	معادل فارسی
/du/	دوغ
/dy/	دود
/dɥ/	ساختمان
/dø/	دو (عدد)

جدول ۴. جفت‌های کمینه بسته با تقابل /y, ɥ, ø/

واژه گویشی	معادل فارسی
/su/	عجله
/sy/	عروسی
/sɥ/	سیر
/s ø /	نگاه کردن

• /ɔ/ [-هم‌خوانی، +هجایی، +رسا، -افراشته، -افتاده، +پسین، +نیم‌گرد]

در تولید این واکه، عقب زبان به طرف نرم‌کام بالا و در فاصله‌ای در حد وسط جای‌گاه دو واکه /o/ و /a/ در فارسی قرار می‌گیرد. بخش پیشین زبان اندکی به سمت عقب کشیده و در تشابه با حالت تولید واکه /o/ فارسی واقع می‌شود. شکل لب‌ها به صورتی جلو آمده و گرد، ولی با جلوآمدگی کم‌تر از تولید واکه /o/ در فارسی است و با وسعت کم‌تر دایره لب‌ها نسبت به آن تولید می‌گردد. انسداد مجرای عبور هوا از بینی و واگذاری از دیگر مشخصه‌های آن است. به جفت‌های کمینه زیر در نمایاندن تمایز واجی /ø, ɥ, a/ (باز) و /ɛ, a/ (بسته) توجه نمایید.

جدول ۵. جفت‌های کمینه باز با تقابل /a, ɛ, ø, ɔ/

واژه گویشی	معادل فارسی
/sɔ/	صخره
/sø/	صبح
/sɛ/	مشکی
/sa/	آسمان بدون بارندگی

جدول ۶. جفت‌های کمینه بسته با تقابل /a, ɛ, ɔ/

واژه گویشی	معادل فارسی
/nɔm/	اسم
/nem/	رطوبت، نم
/nam/	نیایم

• /ɔ:/ (واکهٔ پسین، نیم باز، نیم‌گرد، کشیده)

توصیف آوایی این واکه مشابه /ɔ/ و با تفاوت کشش واکهٔ فوق می‌باشد که در تمایز نمونه واژه‌های /ɔ:nj/ (چوپان) و /ɔnj/ (کتف) آشکار است.

• /a/ [-هم‌خوانی، +هجایی، +رسا، +افتاده، +پسین، +گرد]

این واکه، که از ویژگی‌های تولیدی برابری با واکهٔ متناظر خود با فارسی برخوردار است، با برآمدگی جزئی در بخش پسین زبان تولید می‌شود. مسافت میان عقب زبان و نرم‌کام حدوداً دو برابر مسافت آنان (ثمره، ۱۳۷۸: ۹۰) در تولید /o/ در فارسی است. آزاد بودن بخش پیشین زبان و مماس بودن کناره‌های آن بر دیوارهٔ داخلی دندان‌های پایین، در تولید آن، همراه با جلوآمدگی اندک لب‌ها با شکلی بیضی‌گونه مشهود است. بالا رفتن نرم‌کام در تولید آن به انسداد مجرای عبور هوا از بینی انجامیده و واگذاری از دیگر مشخصه‌های آن است. شایان ذکر آن‌که واکهٔ /a/ به دنبال هم‌خوان‌های دمیده به صورت ناقص واکرفته می‌گردد. نمونه‌هایی گویشی از این واکه در تقابل با /ɔ, ø, ɛ/ (باز) و /a, u/ (بسته) در جداول ۷ و ۸ نشان داده شده است. چون این واکه در زبان فارسی هم موجود است توصیفات آن با توصیفات این واکه در زبان فارسی یکی است.

جدول ۷. جفت‌های کمینه باز با تقابل /a, ɛ, ø, ɔ/

واژه گویشی	معادل فارسی
/sɔ/	صخره
/sø/	صبح
/sɛ/	مشکی
/sa/	آسمان بدون بارندگی

جدول ۸. جفت‌های کمینه بسته با تقابل /a, a, u/

واژه گویشی	معادل فارسی
/qap/	قوزک پا
/q a p/	مقیاسی برای اندازه‌گیری وزن
/qup/	گروه

• /a:/ (واکهٔ پسین، باز، گرد باز، کشیده)

توصیف آوایی /a:/ همانند /a/ و تنها در کشش بیش‌تر /a:/ می‌باشد که در جداول ۹ و ۱۰ نشان داده شده است.

جدول ۹. جفت کمینه باز

واژه گویشی	معادل فارسی
/da:/	مادر
/da/	داد

جدول ۱۰. جفت کمینه بسته

واژه گویشی	معادل فارسی
/la:f/	رختخواب
/laf/	سیل

۲.۲.۴ واکه‌های مرکزی

• /ə/ [-همخوانی، +هجایی، +رسا، -افراشته، -افتاده، -پسین، -پیشین، -گرد، -گسترده]
این واکه، که در زبان‌های آلمانی و سوئدی نیز موجود است، نه باز یا نیم‌باز و نه بسته یا نیم‌بسته به شمار می‌آید. در تولید آن، شکل لب‌ها در حالت طبیعی بدون گرد یا گسترده بودن است و، از نظر جای‌گاه، میانی محسوب می‌گردد؛ بر این اساس، آن را واکهٔ میانی خنثی نیز می‌توان نامید. جدا بودن لب‌ها از یک‌دیگر و قرار گرفتن زبان در حالت طبیعی با رانش نامحسوس بخش میانی زبان در تولید این واکه مشهود است. انسداد مجرای بینی با ارتقای نرم‌کام، همراه با واکداری تارهای صوتی، در آن دیده می‌شود. به نمونه‌هایی از آن در تقابل با /ɔ, y/ (باز) و /ɪ/ (بسته) توجه کنید.

جدول ۱۱. جفت‌های کمینه باز با تقابل /ə, y, ɔ/

واژه گویشی	معادل فارسی
/mə/	من
/my/	مو
/mɔ/	ماده اسب

جدول ۱۲. جفت‌های کمینه بسته با تقابل /ɛ, ə/

واژه گویشی	معادل فارسی
/maʒ/	ذغال افروخته
/mɛʒ/	مکیدن

• /ɜ/ [-هم‌خوانی، +هجایی، +رسا، -افراشته، -افتاده، -پسین، -پیشین، +گرد] در تولید واکه نیمه‌باز فوق، که از نظر جای‌گاه میانی محسوب می‌شود، لب‌ها کمی گرد و زبان در حالت طبیعی واقع می‌شود. انقباضی کلی در زبان به هنگام فراگویی آن مشهود است که با تمایل نامحسوس نوک زبان به طرف بالا همراه است. جدا بودن لب‌ها از یک‌دیگر، بسته بودن مسیر بینی، و ارتعاش تارهای صوتی از دیگر ویژگی‌های تولیدی آن به شمار می‌آید. تقابل واج مذکور در مقابل /ɛ, y/ (باز) و /ɜ, u, ə/ (بسته) در جدول‌های ۱۳ و ۱۴ نشان داده شده است.

جدول ۱۳. جفت‌های کمینه باز با تقابل /ɛ, y, ɜ, ɜ/

واژه گویشی	معادل فارسی
/dɜ/	دویدن
/dɛ/	ساختمان
/dy/	دود

جدول ۱۴. جفت‌های کمینه بسته با تقابل /ɜ, u, ə, a/

واژه گویشی	معادل فارسی
/dɜr/	اطراف
/dur/	گردش، چرخیدن
/dar/	درخت
/dyr/	دور

۳.۲.۴ واکه‌های پیشین و گسترده

• /i/ [-هم‌خوانی، +هجایی، +رسا، +افراشته، -پسین، -گرد] واکه فوق، که با ویژگی‌هایی یک سان در هر دو نظام مورد بررسی مشهود است، با بالا رفتن جلوی زبان به طرف سخت‌کام همراه است. زبان، در این فرایند تولیدی، در فاصله‌ای نسبت به سخت‌کام قرار می‌گیرد که، طی آن، عبور جریان هوا بدون ایجاد سایش به انجام

می‌رسد. آزاد بودن نوک زبان و واقع شدن آن در پشت دندان‌های پایین، همراه با چسبیدن بخش میانی حاشیه‌های زبان به اطراف کام بر روی دیواره داخلی دندان‌های بالا از ویژگی‌های تولیدی آن به شمار می‌آید. بدیهی است که فاصله اندک میان دندان‌های بالا و پایین و همچنین فاصله اندک میان سطح زبان و سخت‌کام به کاهش حجم حفره دهان می‌انجامد که، بر این مبنا، واکه حاصل را، به اعتبار حجم دهان، «بسته» و، به اعتبار ارتفاع زبان، «افراشته» نامیده‌اند. همچنین افراستگی بخش پیشین زبان، در تولید آن، به طبقه‌بندی آن به عنوان واکه‌ای پیشین می‌انجامد.

• /ɪ/ [-همخوانی، +هجایی، +رسا، +افراشته، -پسین، -گرد]

بخش پیشین زبان و سخت‌کام اندام‌های سازنده این واکه‌اند. در تولید آن، فاصله میان جلوی زبان و سخت‌کام بیش از این فاصله، در تولید /i/ و کم‌تر از آن، در تولید /e/، در زبان فارسی است. فاصله دندان‌های بالا و پایین نیز به همان نسبت بیش‌تر از فاصله موجود در تولید واکه /i/ و کم‌تر از آن در تولید /e/ می‌باشد. نوک زبان در پشت دندان‌های پایین قرار می‌گیرد که البته با کشیدگی بیش‌تر حجم زبان به جلو، نسبت به تولید /e/ فارسی، همراه است. نرم‌کام در موقعیت بالا و تارهای صوتی در وضعیت تولید واک قرار دارند. لب‌ها نیز به شکلی نیم‌گسترده در می‌آیند که از گستردگی بیش‌تر نسبت به تولید /e/ برخوردارند. تقابل این واج با واج‌های /a, ø, ɔ/ (باز) و /y, u, ε/ (بسته) در جفت‌های کمینه زیر در لکی در جداول ۱۵ و ۱۶ نشان داده شده است.^۷

جدول ۱۵. جفت‌های کمینه باز با تقابل /a, ø, ɔ/، /ɪ/

معادل فارسی	واژه گویشی
مشکی	/sɪ/
آسمان بدون بارندگی	/sa/
صبح	/sø/
صخره	/sɔ/

جدول ۱۶. جفت‌های کمینه بسته با تقابل /y, u, ε/، /ɪ/

معادل فارسی	واژه گویشی
سیر	/sɪy/
عروسی	/syɪ/
عجله	/suɪ/
نگاه کردن	/sɛɪ/

- /ɪ:/ (واکهٔ پیشین، بسته، گسترده، کشیده)
توصیف واکهٔ /ɪ:/ همانند /ɪ/ و با تفاوت در کشیده‌تر بودن /ɪ:/ است. تمایز واجی این دو واکه در جدول ۱۷ نشان داده شده است.

جدول ۱۷. نقش متمایزسازندهٔ کشش در /ɪ/ و /ɪ:/

واژهٔ گویشی	معادل فارسی
/tʃɪ:n/	رگه، ردیف
/tʃɪ:n/	رفتن

- /ɛ/ [-هم‌خوانی، +هجایی، +رسا، -افراشته، -افتاده، -پسین، -گرد -گسترده]
فاصلهٔ میان بخش پیشین زبان و سخت‌کام به عنوان اندام‌های سازندهٔ این واکه، در تولید آن، دو برابر این فاصله در تولید /i/ است. در فراگویی آن، نوک زبان در پشت دندان‌های پایین قرار می‌گیرد، و نیز کناره‌های زبان با فاصله از دندان‌های کناری بالا قرار دارند. نرم‌کام در موقعیت بالا و مسیر عبور هوا از بینی مسدود است. تارهای صوتی در موقعیت تولید واک و لب‌ها به شکل نیم‌گسترده قرار دارند. تمایز واجی این واکه در جفت‌های کمیئهٔ گویشی در جدول‌های ۱۸ و ۱۹ نمایش داده شده است.

جدول ۱۸. جفت‌های کمیئهٔ باز با تقابل /ɛ, ø, y, ɪ/

واژهٔ گویشی	معادل فارسی
/kɛ/	چه وقت
/kɪ/	کوتاه
/ky/	کدو
/kø/	کوه

جدول ۱۹. جفت‌های کمیئهٔ بسته با تقابل /ɛ, a, a, i/

واژهٔ گویشی	معادل فارسی
/dɛm/	کشت دیم
/dam/	دهان، دهانه، درب
/dam/	دادم
/dim/	دیدم

• /a/ [-هم‌خوانی، +هجایی، +رسا، +افتاده، -پسین، -گرد]

در تولید این واکه، که با ویژگی‌هایی یک‌سان در هر دو نظام مورد بررسی مشهود است، شاهد بیش‌ترین حد از فاصله‌جلوی زبان تا سخت‌کام هستیم. برجستگی زبان اندک و به شکل انقباضی از جلو به عقب در بدنه‌ی زبان تظاهر می‌یابد. کناره‌های زبان با دیواره‌ی داخلی دندان‌های پایین در تماس و نوک آن با کششی اندک به عقب همراه شده و در پشت دندان‌های پایین قرار می‌گیرد. شکل لب‌ها گسترده‌ی باز است، یعنی بدین شکل که لب بالا دندان‌های بالا را می‌پوشاند ولی لب پایین اندکی به پایین کشیده می‌شود، به طوری که نوک دندان‌های پایین نمایان و گوشه‌های لب‌ها، در تولید آن، اندکی به سمت عقب کشیده می‌شود. به تمایز واجی این واکه در جفت‌های کمیته‌ی باز، که در این جا بر مبنای اختلاف در واج آغازی یا پایانی به ترتیب به نوع اول (جدول ۲۰) و دوم (جدول ۲۱) تقسیم شده‌اند، و نیز با جفت‌های کمیته‌ی بسته (جدول ۲۲) توجه نمایید.

جدول ۲۰. جفت‌های کمیته‌ی باز نوع اول (اختلاف در واج آغازی) با تقابل /a, ʌ, a/

واژه‌گویی	معادل فارسی
/asa ^ʌ /	آن زمان
/ʌsa/	این زمان
/asa/	اسم خاص

جدول ۲۱. جفت‌های کمیته‌ی باز نوع دوم (اختلاف در واج پایانی) با تقابل /a, a: u, ā, ē, ø, i/

واژه‌گویی	معادل فارسی
/da/	عدد ده
/da:/	مادر
/du/	دوغ
/dū/	دود
/dē/	ساختمان
/dø/	عدد دو
/di/	دیگر

جدول ۲۲. جفت‌های کمیته‌ی بسته با تقابل /a, a:, ɜ, ʒ/

واژه‌گویی	معادل فارسی
/tal/	شاخه
/ta:l/	تلخ
/tal/	تار، رشته
/tɜl/	پیشانی

• /a:/ [-هم‌خوانی، +هجایی، +رسا، +افتاده، -پسین، -گرد، +کشیده]
 واژه /a:/ در لکی از توصیفی مشابه با /a/ و با اختلاف در کشش /a:/ نسبت به دیگری برخوردار است. به تمایز واجی این واژه در جفت‌های کمینه زیر با واژه‌های باز و بسته به ترتیب در جدول‌های ۲۳ و ۲۴ توجه نمایید.

جدول ۲۳. جفت‌های کمینه باز با تقابل /a: ɔ: y: ø/

واژه گویشی	معادل فارسی
/ka:/	کاه
/kø/	کوه
/kɛ/	چه وقت
/ky:/	کدو

جدول ۲۴. جفت‌های کمینه بسته با تقابل /a: ɔ: /

واژه گویشی	معادل فارسی
/tal/	شاخه، تار
/ta:/	تلخ
/var/	جلو
/va:r/	برف

۴.۲.۴ واژه‌های پیشین و گرد

• /y/ [-هم‌خوانی، +هجایی، +رسا، +افراشته، -پسین، +گرد، +کشیده]
 در تولید این واژه، بخش پیشین زبان به سوی سخت‌کام بالا رفته و، با واقع شدن در فاصله‌ای نسبت به آن، عبور بدون سایش جریان هوا را میسر می‌سازد. نوک زبان آزاد و اغلب در پشت دندان‌های پایین قرار می‌گیرد که با چسبیدن بخش میانی حاشیه‌های زبان به اطراف کام بر روی دیواره داخلی دندان‌های بالا همراه می‌گردد. فاصله اندک فوق میان دندان‌ها و نیز میان سطح زبان و سخت‌کام به کاهش حفره دهان می‌انجامد که، بر این اساس، به اعتبار حجم دهان، واژه «بسته» و، به اعتبار ارتفاع زبان، «افراشته» قلمداد می‌شود. هم‌چنین افراستگی بخش پیشین زبان، در تولید آن، به «پیشین» شمردن واژه مورد بحث می‌انجامد. انسداد مسیر بینی، ارتعاش تارهای صوتی، کشیدگی لب‌ها به جلو، و نیز گردی لب‌ها در تولید آن مشهود است. البته قابل توجه آن‌که میزان جلوآمدگی لب‌ها در تولید /y/ بیش‌تر از همین حالت در تولید /u/ در لکی است، که با کوچک‌تر بودن دایره لب‌ها در

تولید /y/ نسبت به /u/ دیده می‌شود. تقابل این واکه با واکه‌های /ɛ, u, ø/ و /a, u/ به ترتیب در جفت‌های کمین مذکور در جدول‌های ۲۵ و ۲۶ نشان داده شده است.

جدول ۲۵. جفت‌های کمینه باز با تقابل /ø, ɛ, y, u/

واژه گویشی	معادل فارسی
/dy/	دود
/du/	دوغ
/dø/	عدد دو
/dɛ/	ساختمان

جدول ۲۶. جفت‌های کمینه بسته با تقابل /a, y, u/

واژه گویشی	معادل فارسی
/tyz/	قیافه
/tuz/	گرد و خاک
/taz/	خستگی

• /ø/ [-هم‌خوانی، +هجایی، +رسا، -افراشته، -افتاده، -پسین، +گرد]

تولید این واکه با بالا رفتن بخش پیشین زبان به سمت سخت‌کام و واقع شدن آن در فاصله‌ای همانند فراگویی واکه /e/ در فارسی است. نوک زبان در پشت دندان‌های پایین، مسیر بینی با ارتقای نرم‌کام مسدود، و تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار دارند. شکل لب‌ها جلو آمده و گرد، ولی با جلوآمدگی بیش‌تر و دایره کوچک‌تر لب‌ها نسبت به تولید /o/ فارسی است. این واکه در دوره‌های گذشته در زبان فارسی نیز وجود داشته و، در طی مراحل تغییرات تاریخی زبان، از میان رفته است. نمونه واژه‌های گویشی از جفت‌های کمینه باز با تقابل /a, ɔ, ø, y/ و بسته با تقابل /ø, ɛ, y, u/ در جدول‌های ۲۷ و ۲۸ نمایانده شده است.

جدول ۲۷. جفت‌های کمینه باز با تقابل /ø, ɛ, ɔ, a/

واژه گویشی	معادل فارسی
/sø/	صبح زود
/sɛ/	مشکی
/sɔ/	صخره
/sa/	آسمان بدون بارندگی

جدول ۲۸. جفت‌های کمینه بسته با تقابل /y:، ø:، x:، ø/

واژه گویشی	معادل فارسی
/nøɾ/	پاره نکن
/nø:r/	نفرین
/nyɾ/	نور
/nɪɾ/	جنس نر

• /ø:/ [واکه پیشین، نیم باز، گرد، کشیده]

توصیف آوایی این واکه همانند /ø/ با تفاوت در میزان کشش است، و در تقابل واجی با /a:، ø:، ε/ در جفت‌های کمینه زیر در جدول ۲۹ نشان داده شده است.

جدول ۲۹. تقابل واجی /a:، ø:، ε، ø/

واژه گویشی	معادل فارسی
/nøɾ/	پاره نکن
/nø:r/	نفرین
/nεɾ/	سر و صدا به علت ناراحتی
/na:r/	آسیاب نکن

۵. نتیجه گیری

مقاله حاضر تلاشی است در راستای توصیف واکه‌ها در گویش لکی که همراه با تحلیلی بر تفاوت‌ها و تشابهات ساخت واکه‌ها در گویش لکی در مقایسه با زبان فارسی معیار به انجام رسیده است. تحلیل‌های ارائه شده نمایان‌گر تقسیم‌بندی چهارگانه واکه‌ها در گویش لکی است که مشتمل است بر: ۱. پسین و گرد: /u/ در /tʃul/ (خالی)، /ɔ:/ در /ʃɔ:n/ (چوپان)، /ɔ/ در /ʃɔn/ (کتف)، /a:/ در /ʌa:f/ (رختخواب)، /a/ در /ʌaf/ (سیل)؛ ۲. پیشین و گسترده: /i/ در /hiza/ (کیسه روغن)، /ɪ:/ در /tʃɪ:n/ (رفتن)، /ɪ/ در /tʃɪn/ (رگه، ردیف)، /ε/ در /gεʒεk/ (دکمه)، /a:/ در /vʒ:r/ (برف)، /a/ در /var/ (جلو)؛ ۳. پیشین و گرد: /y/ در /dɪz/ (میزان)، /ø:/ در /nø:r/ (نفرین)، /ø/ در /nøɾ/ (پاره نکن)؛ ۴. مرکزی /ɜ/ در /hɜɾ/ (دره)، /ə/ در /məʒ/ (زغال روشن). تقسیم‌بندی چهارگانه گویشی فوق در مقابل تقسیم‌بندی دوگانه واکه‌ها در زبان فارسی مطرح شده است که سه واکه پیشین [i:/e:/a/] و سه واکه پسین [a:/o:/u/] را در بر می‌گیرد. دربارهٔ ε واکه [a/، /a/، /i/، /u/] دو نظام

۱۸۰ توصیف واکه‌های ساده در گویش لکی نورآبادی در قیاس با زبان فارسی

مورد بررسی عملکردی تقریباً یک‌سان دارند، به طوری که این واکه‌ها در هر دو نظام دیده می‌شوند؛ در حالی که گویش لکی نورآبادی فاقد واکه‌های /o/ و /e/ است، اما ۷ واکه [/ɪ/، /θ/، /y/، /ɔ/، /ɛ/، /ɜ/ و /ə/] را در نظام واجی خود دارد که فاقد صورتی نظیر در زبان فارسی‌اند. هم‌چنین کشش واکه‌ای در گویش لکی از نقشی واجی و ویژگی تمایزدهنگی معنا برخوردار است، به طوری که واکه‌های [/ɔ:/، /ɪ:/، /θ:/، /y:/، /ɛ:/، /ɜ:/ و /ə:/] محصولی از این فرایندند. بر این مبنا، پژوهش حاضر حاکی از وجود نظامی واکه‌ای مشتمل بر ۱۶ واکه (همراه با ویژگی ممیز کشش) در گویش لکی نورآبادی در تقابل با نظام ۶ واکه‌ای زبان فارسی است.

۶. پیوست

جدول ۳۰. نشانه‌های آوایی هم‌خوان‌های لکی بر مبنای الفبای آوانگار بین‌المللی

معادل فارسی	نمونه لکی	توصیف آوایی	آوا
بلند	/bələŋ/	انسدادی دولبی باواک	b
نخ	/pəŋ/	انسدادی دولبی بی‌واک	p
بزغاله	/tʏʂk/	انسدادی دندانی - لثوی بی‌واک	t
دراز	/dərɪʒ/	انسدادی دندانی - لثوی باواک	d
کلاه	/kələw/	انسدادی نرم‌کامی بی‌واک	k
سوزن بزرگ	/gʷənʊʒ/	انسدادی نرم‌کامی باواک	g
عمیق	/Gəl/	انسدادی ملازی باواک	G
زغال روشن	/məʒ/	خیشومی دولبی باواک	m
چشمه	/kani/	خیشومی لثوی باواک	n
ماده‌گاو	/məŋɑ/	خیشومی نرم‌کامی	ŋ
جلو - قبل	/var/	لرزان لثوی باواک	r
زیاد	/fəra/	سایشی لب و دندانی بی‌واک	f
قوچ	/vəran/	سایشی لب و دندانی باواک	v
بی‌حس	/sər/	سایشی لثوی بی‌واک	s
چانه	/zəŋj/	سایشی لثوی واک‌دار	z
شب	/šəw/	سایشی پس لثوی واک‌دار	š
زن	/žan/	سایشی پس لثوی واک‌دار	ž

خواهر	/χwa/	سایشی ملازی بی‌واک	χ
خورشید	/hwar/	سایشی چاکنایی بی‌واک	h
افسانه - داستان	/pâčâ/	انسایشی پس لثوی بی‌واک	č
گنجشک	/jəka/	انسایشی پس لثوی باواک	j
بزرگ	/kaləŋ/	ناسوده کناری لثوی باواک	l
روده	/ʎaχaru/	ناسوده کناری تقریبی کامی باواک	ʎ
یواش	/yâwâš/	نیم واکه سخت کامی باواک	y
خود	/wəʒ/	نیم واکه لبی - نرم کامی باواک	w

پی‌نوشت‌ها

- محمد نوری دانش‌جوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
- باز و بسته بودن واکه‌ها در تحقیق حاضر در تقسیم‌بندی واکه‌های لکی به کار بسته شده است.
- واکه‌های مرکب در زبان فارسی همواره از موارد بحث‌برانگیز میان زبان‌شناسان بوده است. صورت‌های آوایی /ey/ و /ow/ در واژه‌هایی همانند /deyn/ «دین»، /seyr/ «سیر»، /jowr/ «جور»، و /rowšan/ «روشن»، گاه ترکیبی دوواجی از /ey/ و /ov/ و گاه واکه‌های مرکب دانسته شده‌اند، و بر این مبنا، دستگاه واکه‌ای زبان فارسی را مشتمل بر دو واکه مرکب فوق‌علاوه بر شش واکه ساده به شمار آورده‌اند (مشکوة‌الدینی، ۱۳۷۴: ۵۴). در خصوص واکه‌های مرکب در لکی نورآبادی، به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که تحقیق حاضر حاکی از فقدان واکه مرکب در این گویش است و واژه‌هایی هم‌چون /əw/ (او، ضمیر شخصی سوم شخص مفرد)، با توجه به وجود هم‌خوان /w/ در لکی، می‌تواند نمایان‌گر دو واج مجزا مشتمل بر واکه /ə/ و هم‌خوان /w/ باشد.
- گفتنی است که نتایج تحقیق حاضر تفاوت‌هایی را در دستگاه واکه‌ای گویش لکی با تقسیم‌بندی امیدی (۱۳۸۸) نمایان‌گر می‌سازد که در ادامه به شرح آن پرداخته شده است.
- واکه‌های پیشین و گرد‌گویشی مشابه با واکه‌های زبان آلمانی می‌باشند.
- تذکر: رسم جدول و قرار دادن خطوط افقی و عمودی در جدول دستگاه واکه‌ای گویش لکی در مقایسه با فارسی در این جا به معنای ترسیم مرز دقیقی میان بخش‌های مختلف به‌ویژه میانی و مرکزی نیست، بلکه با هدف توصیف واکه‌های دو نظام مورد بررسی ارائه شده است.
- شایان ذکر آن‌که این واکه در ادوار گذشته در زبان فارسی نیز وجود داشته است.
- با توجه به محدودیت ابعاد مقاله، در این جا (جدول ۲۰) از بحث پیرامون آغاز واژه‌ها با انسدادی چاکنایی خودداری شده است.

منابع

- امیدی، عباس (۱۳۸۸). «نظام آوایی گویش لکی دلفان در چهارچوب واج‌شناسی زایشی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ایزدیناه، حمید (۱۳۶۷). فرهنگ لکی، تهران: مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- تفرجی یگانه، مریم (۱۳۸۵). «بررسی ساختمان گروه فعلی در زبان کردی (ایلامی)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ثمره، یدالله (۱۳۷۸). *آواشناسی زبان فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۷۸). *آواشناسی*، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- دیپیم، گیتی (۱۳۵۸). *درآمدی بر آواشناسی عمومی*، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- عالی‌پور خرم‌آبادی، کامین (۱۳۸۴). *دستور زبان لکی: ضرب‌المثل‌ها و واژه‌نامه‌ها*، خرم‌آباد: افلاک.
- کاظمی، فروغ (۱۳۸۴). «بررسی خطاهای نحوی لک‌زبانان در یادگیری و کاربرد زبان فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مشکوٰۃ‌الدینی، مهدی (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- مشکوٰۃ‌الدینی، مهدی (۱۳۷۴). *ساخت آوایی زبان*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- مک‌موان، ام. کی. سی. (۱۳۷۳). *آواشناسی و واج‌شناسی*، ترجمه اریک فیوج، محمد فایز و جواد نصرتی‌نیا، تهران: روایت.
- میرچراغی، سیدفروود (۱۳۶۹). *بررسی ساختمان دستوری گویش لکی «خواجه‌نسی» کلاردشت*، تهران: پرهام نشر.
- ناطوری، مهرناز (۱۳۸۳). «نظام آوایی گویش لکی هرسین از دیدگاه انگاره واج‌شناسی زایشی استاندارد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۷۳). *درآمدی به آواشناسی*، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.